



۲۰۱۹/۰۳/۲۷



فردوس

غنی در تقابل با کرزی و خلیلزاد

ارگ با نادیده گرفتن هشدارهای زلمی خلیلزاد نماینده خاص واشنگتن برای پایان جنگ افغانستان میگوید که در اجلاس ماه اپریل طالبان با احزاب و گروه های سیاسی شرکت نمیکند. محمد اشرف غنی اجازه نداد که در اجلاس ماه فبروری مسکو هم، نمایندگان حکومت شرکت کنند. حامد کرزی قبل از اجلاس مسکو از محمد اشرف غنی تقاضای ملاقات کرده بود. کرزی ظاهراً میخواست که آقای محمد اشرف غنی، شماری از مقام های حکومتی از جمله حمدالله محب مشاور امنیت ملی ارگ و محمد معصوم استانکزی رییس عمومی امنیت ملی را به اجلاس مسکو بفرستد. اما محمد اشرف غنی نه حامد کرزی را به حضور پذیرفت و نه کسی را به نمایندگی از خودش به اجلاس ماه فبروری مسکو فرستاد.

کرزی در واقع رهبری تلاش هایی را به دوش دارد که هدف از آن گفت و گوی نمایندگان طالبان با نمایندگان احزاب و چهره های سیاسی است. کرزی در زمان حکومتش هم، تمام چهره های درشت سیاسی و نمایندگان آنها را در شورای عالی صلح جمع کرده بود تا اگر روزی مذاکره با طالبان تحقق یابد، همین شورا با آنها مذاکره کند. کرزی سعی میکرد هویت غیر حکومتی به شورای عالی صلح بدهد و چنان می نمایاند که در آن شورا نمایندگان تمام احزاب و نیروهای سیاسی، حتا رهبران پرنفوذ جمع شده اند و طالبان میتوانند با آنها صحبت کنند. کرزی همان راه را این بار به شکل دیگر می رود. او خودش هم با نمایندگان طالبان در قطر در تماس است و هم با احزاب و رهبران سیاسی پرنفوذ در کابل. اجلاس و برخاست صمیمانه کرزی با هیأت طالبان در مسکو نشان داد که تماس دوما در میان او و دفتر طالبان در دوحه وجود دارد.

به نظر میرسد که کدام مرجع قطری به حامد کرزی دعوت نامه فرستاده است و ایشان با نمایندگان احزاب سیاسی و سیاستمداران پرنفوذ در تماس است تا جمع کلانی از سیاستمداران را به دوحه ببرد و آنها را دور میز مذاکره با نمایندگان طالبان بنشانند. قرار است که در اواسط ماه اپریل نمایندگان احزاب سیاسی و شماری از سیاستمداران پرنفوذ در دوحه با هیأت طالبان مذاکره کنند. اجلاس ماه اپریل قطر ادامه اجلاس مسکو است و از تماس های کرزی با رییس اجرایی هم برمیآید که داکتر عبدالله هم احتمالاً نمایندگانش را به اجلاس قطر میفرستد. برخی از فعالان حقوق زن و شماری از فعالان جامعه مدنی کابل هم در اجلاس دوحه شرکت می کنند. فعالان جامعه مدنی به صراحت اعلام کرده اند که به اجلاس دوحه میروند تا از مواضع حوزه دموکراسی خواه افغانستان نمایندگی کنند.

داکتر زلمی خلیلزاد نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان در سفر اخیرش به کابل گفته بود که او از ارگ خواسته است تا با تشکیل یک هیات ملی مذاکره کننده، قبل از تشکیل جرگه مشورتی کابل ماه ثور موافقت

کند. خلیل‌زاد هشدار داده بود که اگر ارگ تشکیل یک هیات ملی مذاکره کننده را قبل از برگزاری جرگه مشورتی کابل نهایی نکند، اجلاس مسکو تکرار میشود. معنای سخن او این بود که اجلاس قطر که ادامه اجلاس مسکو است، برگزار شدنی است و بهتر است که محمداشرف غنی هم نمایندگان خود را به آن بفرستد. اما محمداشرف غنی نمیخواهد که حکومت به عنوان یک گروه در اجلاس قطر شرکت کند. او به همین دلیل به اجلاس مسکو هم نمایندگانش را نفرستاد. اشرف غنی خودش را رییس دولت افغانستان میدانند نه رهبر یک گروه. اشرف غنی همیشه تلاش کرده است این تصور را به دست بدهد که در انتخابات سال ۲۰۱۴ به پیمانۀ زیاد تقلب نشده بود و پیروزی او محصول بیداری پشتون‌ها بود.

محمداشرف غنی علاوه بر اینکه خودش را رییس دولت افغانستان میداند، به این باور است که نه کرزی میتواند از پشتون‌ها نمایندگی کند و نه سیاستمداران دیگر. به همین دلیل است که او میخواهد طالبان با حکومت گفت و گو کنند و مذاکره با گروه طالبان دولت محور باشد. او به نظر میرسد که او با گفت و گوهای طالبان با احزاب و گروه‌های سیاسی که حامد کرزی در تلاش سازماندهی آن است، کمتر همکاری میکند. محمداشرف غنی شاید مانع پرواز سیاستمداران و نمایندگان احزاب سیاسی برای سفر به قطر و شرکت در اجلاس دوحه نشود، ولی به نظر نمیرسد که خودش فیصله‌های آن اجلاس را بپذیرد یا کسی به نمایندگی از خودش به آنجا بفرستد.

این نوع موضع‌گیری تقابل آشکار با چیزی است که خلیل‌زاد آن را مأموریت خودش می‌خواند. آقای خلیل‌زاد بارها گفته است که مأموریت او تسهیل گفت و گوهای طالبان با دیگر افغانها است. منظور او همین است که طالبان با احزاب سیاسی و سیاستمداران پرنفوذ در مورد آینده سیاسی افغانستان گفت و گو کنند و روی یک نقشه راه برای ادغام طالبان در سیاست افغانستان به توافق برسند. خلیل‌زاد در سخنرانی‌اش در انستیتوت صلح ایالات متحده گفت که طالبان با حکومت افغانستان گفت و گو نمی‌کنند، اما اگر ترتیبی داده شود که از جانب افغانستان یک هیات چند حزبی و چند فرهنگی بیاید و نمایندگان حکومت هم در آن حضور داشته باشند، احتمال آن زیاد است که طالبان با چنین هیاتی روی میز گفت و گو بنشینند. روشن است که در این گفت و گوها حکومت به عنوان حکومت حضور نخواهد داشت، بلکه نمایندگان حکومت به عنوان افراد و نمایندگان یک گروه تلقی خواهند شد. طالبان حکومت افغانستان را به دلایل ایدیولوژیک مشروع نمیدانند. تصور آنها این است که اگر باورهای ایدیولوژیک شان را نقض هم کنند و با حکومت مذاکره کنند، انسجام درون سازمانی شان از بین میرود. مشکل دیگر این است که آقای خلیل‌زاد عجله دارد. عجله خلیل‌زاد ریشه در ضرورت‌های انتخاباتی و سیاسی حکومت ترمپ دارد.

شاید آقای خلیل‌زاد هم بخواهد که از تمام ظرفیت‌های و توانایی‌های دیپلماتیکش استفاده کند، تا هرچه زودتر با طالبان به توافق برسد و نمایندگان آنها را دور میز مذاکره با احزاب و گروه‌های سیاسی دیگر بنشانند. روشن است که اگر مذاکره با طالبان به زودی به نتیجه برسد و آنچه که اداره ترمپ می‌خواهد به دست بیاید، اعتبار سیاسی خلیل‌زاد در واشنگتن بیشتر می‌شود. در دوران بوش هم شاهد صعود آقای خلیل‌زاد در روابط قدرت امریکا بودیم. او در کتاب خاطراتش نوشته است که بوش باری او را از کابل به واشنگتن خواست و در حضور مقام‌های امریکایی دیگر به او گفت که کارش در افغانستان موفق بود و بهتر است که از این به بعد در عراق به عنوان سفیر وظیفه اجرا کند. حتا سیاستمداران کُرد طرفدار امریکا در عراق میخواستند که خلیل‌زاد از این ابرقدرت در بغداد نمایندگی کند. خلیل‌زاد بعداً به عنوان نماینده دایمی امریکا در سازمان ملل متحد اجرای وظیفه

کرد. هیچ تردیدی نیست که اگر خلیزاد در مأموریت افغانستان موفق شود، در روابط قدرت امریکا یک پله بالاتر صعود کند. این اختلاف ها و تضاد منافع وضعیت اوضاع افغانستان را بیشتر پیچیده ساخته است.

